

## معارف متوازن (!)

استیضاح ولسی جرگه از حکومت در اطراف تعمیم معارف متوازن طبق ماده (۳۴) قانون اساسی در جلسه ۳۰ حمل صورت گرفت. باوجود اینکه ولسی جرگه افغانستان از لحاظ ماهیت خود یک جرگه تحت نظام اقتصادی - اجتماعی نسبتاً مسلط طبقاتی است اما عده نئی از وکلای ولسی جرگه بنابر جبر تاریخ، عو امل عینی و ذهنی، شرایط ملی و بین المللی، بیداری و انکشاف شعورسیاسی و اجتماعی مؤلدين و عموم خلقها، در مورد مسائل مهمه حیاتی قضاوت نسبتاً آزاد، بیطرفانه و دموکراتیک مینمایند، چنانچه در همان جلسه ۳۰ حمل معایب و نقایص دستگاه

حکومت را در مورد تعمیم معارف متوازن، همه جانبه و نسبتاً بصراحت و آشکارا انتقاد کردند. و بطور کلی در باره مفاهیم آتی الذکر اقدامات حکومت استیضاح شد.

بعضی از وکیلان محترم حکومتهاى سابق و موجوده را با این سبب مسؤول و مورد انتقاد قرار میدادند که قسمت بزرگی بودجه معارف را در کابل به مصرف رسانیده و به ولایات کمتر تخصیص داده اند. بدین دلیل که عمارات با شکوه و بزرگ معارف تنها در کابل بنیافته است و شهریان کابل اضافه تر از وسایل تعلیم و تربیه برخوردار گردیده اند.

عده دیگر کمبودی پرسونل تعلیمی و نقایص کمی و کیفی نصاب پروگرامهای معارف را یادآوری و حکومت ها را انتقاد و محکوم به سهل انگاری مینمودند.

هكذا یکن از وکلا علت عمده نواقص کیفی پروگرامها و بصورت عمومی پایین بودن سویه تعلیمی و تربیتی معارف افغانستان را بسته به نفوذ بعضی از ممالک خارجی از آنجمله دختران و پسران جوان (پیسکور) امریکائی خواند که بمقاصد «دیپلوماتیک» وارد افغانستان شده و در نتیجه موجب انحطاط اخلاقی جوانان و... میگردند. موصوف در این باره چگونگی وضعیت لیسه احمد شاه بابا را در قندهار مثال داد.

عده دیگر به نمایندگی جریان دموکراتیک خلق موجودیت طبقه حاکمه فیودالی و نفوذ استعمار فرهنگی و عدم آزادی تعلیم و... را در معارف کشور عوامل پسمانی و عدم رشد معارف ملی، مترقی و دموکراتیک خوانده

(در ص ۳)

## الف: ضرورت تاریخی سازمان سیاسی نوع جدید

طی يك نسل انسانی، حکومت های استبدادی و مطلقه ملت زحمتکش ما را در تمام شئون زندگی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دچار انحطاط رقت باری کرد و از رشد شعور اجتماعی و سیاسی جوانان کشور ماهرانه بشیوه اداره استعماری و فیودالی جلوگیری بعمل آورد و استعداد سازمانی آنها را دچار جمود و ضعف کرد.

هر طبقه حاکمه ارتجاعی و زمامداران مستبد معمولاً از بیداری خلقها و بیداری شعور طبقاتی افراد ملت و بخصوص از روحیه سازمانی نیروهای ترقی خواه علمی وحشت دارد.

در دوره های حکومت سابق، بنابر سانسور شدید و بی رحمانه مطبوعات و ایجاد ترور و وحشت، حبس های بدون محاکمه، حتی منورین کشور نیز از اظهار نظراتی که از آن مفهوم مداخله در سیاست استشمام میشد بیم و ترس داشتند. ولی بمصداق این اصل که جهان در تغییر است، توفان جنبش های اصیل اجتماعی و نجات بخش ملل جهان سرانجام این منطقه تجرید شده از دنیا را نیز تکان داد و بان الهام بخشید.

دهه اخیر، نقطه تحول بزرگی در جریانات بین المللی و تحول نسبی در حیات ملی ما بود. امروز میروود که خلقهای افغانستان و جوانان روشنفکر کشور بسیاری نکات عمده را درک کنند و از سکوت وحشت انگیز دوره استبداد بیرون برآیند و شور و شوق به مبارزات پارلمان، حزبی و نشراتی و ... پیدا نمایند.

نشر مرام دموکراتیک خلق تمام طبقات و قشرهای ارتجاعی جامعه را تکان داد و در اثر آن دیده میشود که صفوف و جبهه ها مشخص تر میگردد، خطوط فاصل کشیده میشود و «مرام» جبراً مقام شامخ و علمی خود را در حیات اجتماعی احراز مینماید و عرصه را برای نیروهای ارتجاعی تنگ تر می سازد و عرصه نیروهای پیشرو تاریخ را در جامعه وسعت می بخشد.

همچنان جنبش دموکراتیک و مترقی

(در ص ۲)

کیست درین انجمن محرم عشق غیور

ما همه بی غیرتیم آیینه در کربلاست

## قیام حسینی

### «ان الحیاة عقیده و جهاد»

حسین (ع)

واقعه المناکی در آغاز تاسیس خلافت اسلامی رخ داد که تا هنوز بعد از هزار و چهارصد سال در میان مسلمین آثار غم انگیز آن باقیست.

در تحلیل علمی، منشأ طبقاتی آن معلوم است. افکار و شخصیت امام حسین (رض) و رهبری آن از جنبش ستمکشان و هواخواهان عدل و تقوی و سادگی، سیاست و عدالت اجتماعی صدر اسلام بحادثه مذکور شکل جنبش انقلابی داده است. به این معنی که در تاریخ چنان (در ص ۴)

## د ولسی جرگی استیضاح ته یوه کتنه

د پنخو کسو وزیرانو په خصوص کښی د انزه شوه چه دوی د اساسی قانون د (۸۹) مادی د اصل او د ولسی جرگی د داخلی و ظایفو د (۲۹) ما دی په خلاف لومړی تر هغه چه د ولسی جرگی نه (پاتی په دریم مخ کښی)

د دی دپاره چه زموږ گران هیوادوال د ولسی جرگه د استیضاحی جریاناتو څخه خبر شي اوس مونږ د ولسی جرگی دغه استیضاحی پیشی په لاندی ډول په لنده توگه تحلیلوو!

د حمل ۲۳ نیټی استیضاحی غونډه

## د می لومړی ورځ

د پاره جوړ شو چه د کار وخت دی د ورځی (۸) ساعته وی. په همدی کانگرس کښی د شیکاگو د مظاهری د یادونی په ویاړ د می لومړی ورځ د نړی د ټولو کارگرانو ورځ رسماً تصویب او ومنله شوه. او په ۱۸۹۰ کال کښی دا ورځ د نړی په ډیرو ملکونو کښی ونمانځله شوه او اوس د ټولی نړی د کارگرانو د ورځی په حیث قبوله شوی ده.

**خلق:** د کارگرانو د دی تاریخی ورځی یادونه او نمانځنه کوی او دافغانستان او د نړی ټولو کارگرانو او زیار ایستونکو ته تیریک وایی.

دمی لومړی ورځ د نړی د ټولو کارگرانو د یووالی ورځ ټاکل شویده. په دی ورځ کښی د نړی ټول کارگران رخصت او جشنونه نیسی.

دمی په لومړی په کال ۱۸۸۶ کښی د امریکی د شیکاگو په ښار کښی کارگرانو یوه ستره مظا هره و کړه او په هغه کښی نی وغوښتل چه د کار وخت دی د ورځی (۸) ساعته و ټاکل شی.

خو پولیسو پر دوی ډزی وکړی او یو ډیر شمیر کارگران نی مړه کړل. په کال ۱۸۸۹ کښی د دوهم انترنیشنل یو کانگرس په پاريس کښی د دی

د گران افغانستان د ولسی جرگی وروستی جریانات او پارلمانی ژوند د ملي او بین المللی ښو شرایطو او د اساسی قانون د دموکراتیکو ارزښتونو پر بناء یوه نوي بڼه غوره کړی ده.

اساساً زموږ ولسی جرگه (له اقتصادی نظر نه) یوه داسی جرگه ده چه په هغه کښی طبقاتی تمایلات ډیر څرگندیږی.

مثلاً کله چه خبره د دهقانانو د استثمار دستم د ورکولو په خصوص کښی مینځ ته راشی نو که څه هم دا خبری د علم، منطق او د ټولنی د عینی تکامل پر قانون باندی بنا وی خو بیا هم ځنی له دوی نه د خپلو طبقاتی گټو د ساتلو د پاره دغه ملی دموکراتیک او اصولی خبری په ډول ډول وسایلو رده وی.

او دغه ښو پیشنهادو او د خلکو په گټو پلانو ته هیڅ غور نه ایږدی. او عجیب شور ماشور جوړ کړی چه د هغه په اثر د حق دغه خبری د وطن خواهانو دموکراتو او ملی عناصرو غوږو ته ونه رسیری او د محرومو طبقو د نمایندگانو خبری غوڅی شی.

## اصطلاحات و مقولات اجتماعی

## (ط - ب)

- ۲ -

**اقسام طبقات:** در جوامع طبقاتی بصورت کلی دو قسم طبقه موجود است یکی طبقات اصلی و دیگری طبقات فرعی، طبقات اصلی آنهایی اند که بدون آنان طرز تولید متداول جا معه نمی تواند بوجود بیاید. آنها با طرز تولید مسلط جامعه در ارتباط مستقیم اند مانند ملاک و بزگر در جامعه زمینداری و سرمایه دار و کارگر در جامعه سرمایه داری. طبقات دومی آنهایی اند که با طرز تولید مسلط جامعه در ارتباط مستقیم نمی باشند مانند تاجران در جامعه زمینداری و دهقانان در جامعه سرمایه داری.

**اقتدار طبقات:** علاوه بر اقتدار اجتماعی مستقل (مانند پیشه وران) افراد طبقات بزرگی و اصلی هم بروی يك خط افقی قرار ندارند، همین دسته های خوردتر (سکشن ها) که با هم بیشتر شبیه اند اقتدار مختلف طبقات را بوجود می آورند مانند چند قشر زحمت کشان یا اقتدار ملاکان (بزرگ و کوچک) و غیره.

**تناقضات طبقات:** چون منشأ ظهور طبقه مالکیت منفردانه وسایل تولید اجتماعی است لذا با تناسب تکامل آن نابرابری های اقتصادی - اجتماعی نیز زیاد شده و میان طبقات یک

يك سلسله تناقضات بوجود آورده است این تناقضات میان طبقات اصلی متخاصم و میان طبقات فرعی غیر متخاصم است. **تنازعات طبقات:** به نسبت وجود تناقضات همیشه در میان طبقات تنازعات موجود است، تمام تضادهای اجتماعی - اقتصادی و در حقیقت تمام حوادث و وقایع تاریخ عبارت از همین تنازعات طبقاتیست که بلا انقطاع گاه مخفی و زمانی آشکار دوام دارد و بگفته ای: (در طول قرنهای بصورت یکی از مهمترین خصوصیات تکامل بشریت درآمده است).

**شبه طبقه:** دسته های اجتماعی مانند (روشنفکران) که اصلاً مربوط طبقات اصلی یا فرعی جامعه هستند نسبت بعضی وجوه مشترک موقعیت اجتماعی و موقتی شبیه پیدا میکنند و يك (شبه طبقه) را تشکیل میدهد و در تحلیل آخری به طبقات اصلی خود باز میگردند. **حزب طبقه:** نمایندگان مدافع سیاسی منافع یک طبقه در ماهیت خود حزب طبقه اند که از روشنفکران همفکری و بصورت اتحاد داوطلبانه بوجود می آید. اینها اشخاص خبیر طبقه اند و این سازمان سیاسی عالی ترین شکل تشکیلاتی طبقاتیست که طبقات را در تنازعات شان رهبری میکند. (با قیادار)

## علم و فلسفه نو

(دوکتور - ش)

پیشرفت های شگرف علم امروزی بمنزله آتشی بود که بر خرمن جهالت کوتاه نظری، تعصب و اوهم پرستی افکنده شد و راه را با کشفیات بزرگی چون قانون بقا و تحول انرژی، تیوری ساختمان حجروی موجودات زنده، تیوری ارتقا و تیوری اتمی و غیره برای رشد فلسفه نوین و علمی باز کرد و فلسفه علمی نوین نیز به نوبه خود ایقان بر علم را استوارتر ساخت و زمینه پیشرفت بیشتر آنرا فراهم آورده و در نتیجه درهای کیهان را با اسپوتنیک ها، وستوک ها و لوناها برای انسان گشود و عصر کیهان را آغاز نهاد.

قدرت رزمنده سیانس و فلسفه نوین در اینست که قوانین حاکم بر طبیعت و اجتماع را آشکار ساخت و راه استفاده از این قوانین را به سود بشریت و طرق تأمین حیات مرفه و آبرومند نشان داد و با نور دانش اصیل بر تیرگی جهالت چیره گشت.

سیانس اصیل قوانین عمل و رشد نیروهای طبیعت و جامعه را کشف نموده، پیشبینی نو را ممکن ساخت و راه آینده انکشاف را روشن کرد در جامعه ای که علم نو و اصیل راه نیافته است نمی توان ادعای انکشاف نمود و در انتظار آینده درخشانی نشست که مبتنی بر نیروهای مولده متکامل و تکنولوژی مدرن باشد.

جامعه افغانی با وجود تشنگی روز

و نورین متری که نیروی رهنمون نهضت دموکراتیک جهت هدف نهایی می باشد نیروی رهنمون دموکراتیک خلق وظیفه دارد تا بخاطر تطبیق «مرام» خود مبارزه خلقها را علیه استبداد و ارتجاع متحد ساخته و راه ساختمان يك جامعه آزاد، دموکراتیک و خوشبخت را بآنها نشان دهد و همه خلق را بیدار سازد و جنبش را بر ضد فئودالیسم و امپریالیسم بسط و توسعه دهد و نظام مشروطیت دموکراسی را برپا سازد و قدرت های مطلقه سیاسی و اقتصادی و مناسبات کهنه تولیدی موجود را که مانع جدی و سرسخت در راه ترقی اجتماعی و انکشاف نیروهای تولیدی و دموکراسی اصیل اجتماعی است برافکند.

از کلیه سازمان هاییکه بوسیله طبقه زحمتکش خلق ایجاد مگردد، فقط سازمان سیاسی آن میتواند که از مصالح عالی و اساسی توده های عظیم مردم دفاع نماید و قسمت با شعور و پیشرو طبقه باشد و آنرا بجانب پیروزی کامل و هدف نهایی رهبری کند. برای این منظور زحمتکشان خلق نیازمندی بيك سازمان نوع عالی دارند. سازمانی که خودرا تنها به رفع احتیاجات روزمره مردم محدود نسازد، بلکه هدف آن مبتنی بر رساندن طبقه زحمتکش خلق به غایه مطلوب و تغییر اساسی جامعه استوار باشد و ریشه های خودرا در اعماق توده های مردم توسعه دهد. چنین يك سازمان در کشور

جریده خلق که ناشر افکار

دموکراتیک خلق است وظیفه خود میداند که هموطنان عزیز و جوانان روشنفکر را تا حد امکان در این راه کمک کند و درین سلسله، اصطلاحات، مقالات و مباحث علمی و فلسفی نوین را نشر نماید.

**اصطلاحات علمی و فلسفی نو:**

**فلسفه:** کهن ترین شعبه دانش بشر است که بحل مسایل عمومی سیانس و اولتر از همه به مسأله رابطه بین شعور و ماده می پردازد و بر مبنای حل علمی این سوال عمده فلسفه، عمومی ترین قوانینی را استخراج می نماید که بر اساس آن طبیعت و اجتماع تکامل میکند. بقول یکی از فلاسفه، فلسفه قابل تشبیه به تنه درخت بزرگیست که شاخه های متعدد آنرا دیگر علوم تشکیل میدهد طوری که هیچ درختی را نمی توان بدون تنه و شاخه ها سراغ کرد، سیانس و فلسفه را نیز نمی توان جدا از همدیگر درک کرد.

**علم (سیانس):** سیستمی است

از دانش انسانی درباره طبیعت، اجتماع و تفکر که جهان را در مفاهیم، موازین، مقولات و قوانین انعکاس میدهد که راستی و درستی آنرا تجربه عملی به اثبات میرساند.

**ایدیالوژی:** شامل مجموعه

نظرات و افکار سیاسی، قضایی، اخلاقی هنری و دیگر اندیشه های يك طبقه مشخص جامعه است.

**اسلوب (میتود):** مجموع موازین

مشخص و طرق مطالعه تیوریک و شیوه های فعالیت عملی است که در فلسفه و دیگر علوم راه رسیدن به هدف را نشان میدهد و از اینرو هر علم و فلسفه اسلوب جداگانه دارد که مختص بخودش است.

«باقی در شماره آینده»

## وسایل و راههاییکه ...

(از صفحه اول)

محل بازی، خرده کاری، بی اصولی، جبن و تعلل و روحیه خودخواهی فیودالی خاتمه داده شود و دلیرانه اقدام به تکامل سازمان نوع جدید و عالی (دموکراتیک خلق) کنند.

تاریخ شکست های تلخ نهضت های خود بخودی توده های مردم و مبارزات ملی و مشروطه خواهی کشور بخصوص طی پنج دهه اخیر بما می آموزاند که يك جنبش فقط از طرق انکشاف سریع صنایع ملی و تشکل طبقه کارگر و ایجاد سازمان سیاسی قوی و متمرکز که با ایدیالوژی علمی مجهز باشد و قدرت رهبری مبارزه خلقی را برپایه های تشکیلات مستحکم و مرام علمی و روشن (همچو مرام دموکراتیک خلق) استوار سازد، می تواند به پیروزی نهائی رسد.

در تحت شرایط جدید تاریخی و در وضع موجود کشور نقش رهبری سازمان در نهضت دموکراتیک و خلقی ضد مناسبات منسوخ فیودالی (ملوک الطوائفی) و استثمار و استعمار امپریالیستی از مسایل مبرم حیات سیاسی بشمار میرود.

سازمان سیاسی نوع جدید افغانستان که ناشر افکار دموکراتیک خلق در راه تکامل آن مبارزه «قانونی» مینماید همانا عبارت خواهد بود از يك دسته پیشاهنگ طبقه کارگر با اتحاد دهقانان

جبراً بر رشد خویش ادامه میدهد و گامهایی بجلو بر می دارد و روز بروز احیای روح دموکراسی و آزادی سیاسی در میان قشرهای مختلف طبقات اجتماعی بطور غیرمستقیم ظاهر میگردد. واضحاً بمشاهده میرسد که افغانستان دیگر از رشته شرایط سیاسی گذشته وارد زمان جدید گردیده و در مقدمه مرحله يك جنبش قابل ستایش نوین پا میگذارد.

شرایط مساعد ملی و بین المللی بیان کننده این واقعیت است که این مرحله جدید به استواری دموکراسی ملی منجر می شود و در جنبش، گروه واقعا پیشاهنگ و ترقی خواه پا بمیدان مبارزه میگذارد و در نتیجه موجب پیشروی دموکراسی ملی بسوی دموکراسی اصیل اجتماعی میگردد و مرام دموکراتیک خلق منحصی قانون عینی تکامل جامعه در این مرحله تاریخی تحقق می یابد.

تاریخ در برابر تمام عناصر، محافل و نیروهای ترقی خواه علمی، دموکراتیک و وطن پرست که به جهان بین علمی صادقانه ارتباط دارند ضروری ترین و نزدیک ترین وظیفه را قرار داده است تا به خصوصیات دوره سابق و کهنه از قبیل

(از ص اول)

## معارف متوازن

متذکر شدند که اینگونه حکومت از لحاظ منافع طبقاتی خود نمی گذارند که عده بیشتر فرزندان خلق از مزایای عالی معارف ملی مستفید گردند و در نتیجه به پیشرفت و ارتقای اقتصادی و سیاسی کشور خدمات پرارزشی را انجام دهند.

اما باید خاطر نشان ساخت که درین استیضاح اکثر وکلا به علل و عوامل اصلی عدم توزیع متوازن و سایل تعمیم معارف طوریکه لازم است تماس نمیگرفتند و موضوع تعمیم متوازن معارف را بصورت یکجانبه یعنی بر اساسی (سهم ولایات و مرکز) طرح مینمودند.

باید گفت که موضوع استفاده از وسایل و معارف اول تر از همه يك موضوع طبقاتیست. همچنانکه يك نظام اقتصادی - اجتماعی فیودالی و بورژوازی قادر به توزیع وسایل مادی زندگانی جامعه بصورت متوازن و مطابق استحقاق و زحمت هرکس نیست وسایل معارف را نیز نمی تواند در دسترس همه طبقات ستمکش بگذارد و یا در چنین شرایطی برای پیشرفت و انکشاف همه شقوق اقتصادی و اجتماعی پرسونل کافی و صحیح تهیه ببیند.

عبارت دیگر در همچو سیستمها بنا بر عدم رشد کافی تولیدی و متناسب نبودن روابط تولید تمام وسایل حیاتی منجمله معارف محدود و ناکافی بوده و آنچه که هست آنها از طرف طبقات حاکمه بنا بر شرایط مساعدی که در اختیار آنهاست بصورت يك جانبه مورد استفاده قرار میگیرد.

در افغانستان عزیز نیز وضع به همین ترتیب است چه با وجود آنکه مصارف معارف از دسترنج و کار ۹۵ فیصد طبقات مولد و زحمتکش کشور پرداخته میشود، باز هم توده های مردم از تسهیلات معارف عمومی و مجانی برخوردار شده نمیتوانند.

علت این امر آنست که سهم عمده ئی از عوائد ملی از طرف عده محدودی جذب می شود و فرزندان خلق مجال تحصیل را نمی یابند و هم طبقات واقشار حاکمه مانند فیودالها، تجار عمده کمپرادور، سرمایه داران، بوروکراتها از تمام نعم مادی و معنوی معارف بر مراتب بیشتر از خلق متمتع میگردند. و این بذات خود علاوه بر اینکه توازن معارف مارا برهم میزند تناقض و تضاد عمیق اقتصادی و اجتماعی را نیز بین طبقات تشدید میکند که با اتخاذ تدابیر و وسایل سطحی و عادی این تضادها ریشه کن شده نمی تواند

مثلاً: در کابل که واقعاً حصه کلی بودجه معارف افغانستان بمصرف میرسد باز هم عملاً دیده میشود که اکثریت بزرگ اطفال طبقات زحمتکش کابل به

د اعتماد رأی واخستله شی د وزیرانو په حیث مقرر شوی وو.

د ولسي جرگي د داخلي وظايفو (۲۹) ماده داسي څرگندوي: «که د حکومت د تشکیلدو په وخت کښي ځيني وزيران ټاکل شوي نه وي، صدراعظم مکلف دی چه لومړی د هغو تر ټاکلو ولسي جرگي ته معرفي کړی او د اعتماد رأی و غواری.» د اصولنامی له دغی مادی سره سم د حکومت رئیس، باید د نوی وزیرانو د پاره لومړی تر هغه چه فرمان یی واخستل شی د اعتماد د رأی غوښتی وای. که څه هم دغه استیضاح د یوڅو تنو وکیلانو له خوا پر مستندو، قانونی، تاریخی او سیاسی دلایلو وشوه خو د حکومت توضیح د ولسي جرگي اکثریت ته قناعت ورنه کړای شوی.

نو په دغه سبب د ولسي جرگي په بله غونډه کښي داسي فیصله وشوه چه په دغه برخه کښي دی کوم تصویب ونشي. په دی ډول د ولسي جرگي د داخلي وظايفو د اصول (۲۹) ماده د یو دموکراتیک اصل په حیث پرځای پاته شو او د هغه حقوقی اعتبار

نسبت نداشتن شرایط لازم برای تعلیم و تربیت ولو ابتدایی هم باشد موقع ندارند و حصه کلی بودجه معارف از طرف قشر بوروکرات، تجار کمپرادور و غیره اقشار آسوده حال کابل جذب میگردد.

همچنین در ولایات و دهات اطفال کارگران و دهاقین و سایر قشرهای غریب و ناتوان از همان تخصصیه های قلیل معارف که از مرکز برای شان ارسال میگردد نیز برخوردار شده نمی توانند و در نتیجه از حداقل تعلیم که حق قانونی شانست محروم میگرددند.

بصورت کلی در افغانستان (۴۰۳۲۸۵) شاگردان و ذکور وجود دارد و اکثریت قاطع آن منحصر به طبقات حاکمه می باشد.

این عدم توازن در استفاده از وسایل معارف یکی از عوامل دیگر است که موازنه حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خلق ها را برهم زده ناآرامیها و تشنجات اجتماعی را بار آورده است.

بعقیده ما در چنین احوال حکومت که از نظر موقف طبقاتی خویش از همه اولتر حامی و حافظ منافع اقتصادی و اجتماعی طبقه خود و سایر قشرهای حاکمه است کمتر توجه دارد تا عدالت کامل و صحیح را در تقسیم وسایل تعمیم معارف طبق ماده (۳۴) قانون اساسی چه در بین طبقات مختلف و چه بین ولایات کشور تأمین کند.

ولی با وجود آن چون حکومت ادعای

## د ولسي جرگي استیضاح ...

(د لومړی مخ پاتی)

بیا هم تایید شو.

ځکه چه د حمل ۳۰ د غونډی استیضاح د خلق د جریدي د همدی گنی په سرمقاله کښي ښه اصولی تحلیل شوی ده نو له دی جسته د ثور د نیټی پر استیضاح باندی لږ مکث کوو.

د ثور د ۶ نیټی استیضاحي غونډه د هیواد په داخل کښي د ښاغلي صدراعظم د مسافرتونو او د اساسي قانون د مواد تطبیق په برخه کښي د ده د انتباهاتو په هکله دائره شوه. په دی جلسه کښي ښاغلي صدراعظم لومړي نمایندگانو ته لنډ راپور ورکړ. ورپسې د ولسي جرگي نمایندگانو هغه مشکلات او مسائل طرح کړل کوم چه د حکومت او د قضایی قوی له ناوړی اداری څخه د دوی په انتخابی حوزو کښي مینځ ته راځی.

د نمایندگانو د شکایاتو مفهوم غالباً په دی برخه کښي وه چه د اساسي قانون هغه فصل چه د خلکو په حقوقو پوری اړه لري تر اوسه پوری د هیواد په ډیرو برخو کسی نه دی تطبیق شوی او ښاغلي صدراعظم داسی خبری کولی چه گواکی

ملی بودن خود را در هر زمان و مکان به ذرایع مختلفه وانمود می سازد پس وظیفه و مکلفیت او در تأمین توازن صحیح و دموکراتیک معارف بین طبقات مختلف کشور و ولایات، طبق قانون اساسی و مرام دموکراتیک خلق هویدا و آشکار است.

زیرا يك حکومت ملی همیشه نظراً و عملاً برای تأمین منظور مذکور و برای تهیه زمینه و شرایط مساعد جهت از بین بردن سیستم اقتصادی - اجتماعی فیودالی که عامل همه بدبختیهای حیات ملی ماست با تمام اشکال روبنایی آن مبارزه میکند و به این صورت راه را برای آمدن يك دموکراسی ملی که بر جهان بینی علمی متکی باشد بدون انحرافات و فرودگذشت باز می نماید.

مصالح اساسی و حیاتی ملی ایجاب میکند تا حکومت و شوری ماهیت جانبداری طبقاتی خود را به اثر ایجابات اوضاع عینی و ذهنی و مقتضیات عصر حتی الامکان نرمتر و سبکتر گرداند و بتدوین، تصویب و تطبیق قوانین دموکراتیک پردازد که در اثر آن اصلاحات اساسی ارضی و ملی شدن تجارت خارج تأمین گردد تا توسط این قوانین از یک طرف منابع مهم تولیدی در اختیار عامه یعنی تمام طبقات محروم کشور قرارگیرد و از جانب دیگر منابع کافی تمویل معارف ملی، مترقی و خالی از نفوذ فیودالی و استعماری را در کشور وسیعاً بوجود آورد. (ن)

هغه د دوی د پوښتنو تو ضیحات دی. همدا ډول د خلق دموکراتیک نمایندگانو د هیواد د وروسته پاته والی، فقر، ناروغی، ناپوهی اساسی علت چه زمونږ د اقتصادی گړندی پرمختگ او د اساسی قانون د دموکراتیکو ارزښتونو د تطبیق مانع گړزی دا وبالله، چه په افغانستان کښي د فیودالیزم (ملوک الطوائفي) نفوذ ډیر او غښتلی دی او وی ویل دا چه دغه اقتصادی او اجتماعی سیستم د محرومو خلکو د ژوندانه پر ټولو اړخونو ناوړه اغیزه کړی ده، یو تاریخی واقعیت دی چه په هیڅ توگه د هغه نه انکار نشي کیدای او د هغه څخه انکار دا معنی لری چه د جامعی پیژندنې د نوي علم څخه انکار وشي، حال دا چه دغی تلقی او عمل ژر یا وروسته د تاریخ له خوا محکوم کیدونکی دی.

نور احمد

(د پنجواڼی وکیل په ولسي جرگه کښي)

## لغات

## واصطلات مرام د موکراتیک

## خلق

امپریالیزم: عالیترین و آخرین مرحله سرمایه داری که از اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن بیستم آغاز شد. امپریالیزم سرمایه داری آن مرحله است که تسلط انحصارات و سرمایه مالی بر قرار شده و صدور سرمایه (مثلاً هوختیف و غیره) جای مهمی را اشغال میکند.

ستراتیژی: علم رهبری مبارزه طبقاتی خلقهای زحمتکش جهت هدف عمده در يك مرحله معین تاریخی (مثلاً در کشور ما مرحله جنبش دموکراسی ملی).

## بوروکراتیزم و بوروکرات:

بوروکراتیزم عبارتست از اداره امور از طریق کاغذپرانی، مقررات تراشی، عدم علاقه به ماهیت مسایل، جدائی از خلق و بی اعتنائی به احتیاجات و خواستههای خلق.

بوروکرات ماموری رامیگویند که پیرو و پایبند بروکراتیزم باشد.

سکتور دولتی: شق دولتی اقتصاد که بر اساس سرمایه گذاری از طرف دولت وجود می آید و جز ملکیت دولت بشمار میرود. (مثل موترسازی جنگلکک، کانال ننگرهار، بند برق نغلو، دستگاه استخراج گاز و نفت و سیلوهای نان پزی و غیره).

کمپرادور یا دلال: بان قشری از بورژوازی (طبقه سرمایه دار غیرملی) گفته میشود که عایدات بزرگ آن بکمک سرمایه امپریالیستی از طریق فروش محصولات خارجی بدست میآید.

## زموڼو وظيفه

په خلکو کښې اوسيدل  
د خلکو په احساساتو پوهيدل  
د خلکو په شاوخوا کښې په هرڅه پوهيدل  
په خلکو پوهيدل  
د خلکو سره په سلوک پوهيدل  
د خلکو اعتماد گټل  
(.....)

د خدايي خدمتکار ستر مشر پاچا خان  
د خلکو د دموکراتيکو ځوانانو په منځ کښې  
د سنگير پنجشيري

خان عبدالغفار خان د پښتونستان د استعمار او امپرياليزم ضد او د ملي جنبشونو ستر لارښوونکی د ثور د مياشتې په لومړۍ نيټه په داسې حال کښې چې د افغانستان د بيلو بيلو سيمو او خلکو د ځينو منورينو او ځوانو عناصرو له خوا ورته هرکلی ويل کيده - د ښاغلي نورمحمد (تره کی) د خلکو د دموکراتيک جريان ترقي غوښتونکی شخصيت او د پښتو د رياستيک ليکوال کورته تشرېف يووړ. او تقريباً د پنځو ساعتو د پاره يې د افغانستان د خلکو د لوبو او زامنو سره ډيرې گټورې خبرې اترې وکړې.

خان عبدالغفار خان د پښتونستان او ملي او د استعمار ضد غښتلی قهرمان دی چې په خپل ټول ژوند کښې دې د انگرېزي امپرياليزم او د دوی د اجيرانو په مقابل کښې زړورې مبارزې کړې دي. د پښتونستان ستر مشر د يوې پوښتنې په ځواب کښې د استعمار او امپرياليزم په ضد د خپلو پرله پسې مبارزو په تيره بيا د پښتنو د چارسدې او قصه خواني د قهرمانانه جنبشونو په شاوخوا کښې مفصل معلومات ورکړل. او په ډيره واقعيني يې د پښتونستان د خلکو د اجتماعي ژوند پخوانيو ناورو حالاتو ته گوته ونيوله او د انگرېزي او نورو امپريالستانو ټولې هغه د سياسي او داره ماری يې رسوا کړې چې د هند د نيمې قاري، آسيا، افريقا او په تيره بيا د پښتونستان او افغانستان د آزادې غوښتونکو خلکو سره يې په ډيرې بيشرمې کړې دي او کوي يې.

پاچا خان د خدايي خدمتکار د فلسفې په هکله وويل: «څرنگه چې خدای ته د خدمت ضرورت نشته نو د هغه د مخلوق خدمت د خدای خدمت دی.»

وروسته تردې خان عبدالغفار خان د پښتونستان د ملي او استعماري ضد قهرمان وويل: «انقلاب يو سيلاب دی کوم قومونه چې ویده او بی اتفاقه وي هغه وری او کوم قومونه چې وینن او په اتفاق وي نو هغوی تری فايده اوچتوی.»

پاچا خان وويل: «له هغو مهمو نتايجو څخه چې ما د خپلې اوږدې مبارزې او سياسي تجربې څخه اخيستی دی هغه دا دی چې هرکله ملي تحريکات، اجتماعي شعور او استعماري ضد جنبشونه به کليو او خلکو کښې نفوذ وکړی او په دی ملي تحريکاتو او جنبشونو کښې پيغلی او ميرمنی د آزادې غوښتونکو شازلمو سره اوږه په اوږه پرمخ ولاړی شي نو بيا داسې ملي او استعماري ضد مبارزې

نه ماتيدونکی او بريالی نهضت وی او هيڅ راز امپريالستي او ارتجاعی دسايس نشی کولی چې هغه شنډ کړی.»

د پښتونستان ستر مشر د خپلې وينا په ترڅ کښې د خدايي خدمتگاری او کانگرس د سياسي جرياناتو د متقابلې مرستې او په گډه سره د عدم تشدد په اساس د رنځ او عذاب نه ډکی اوږدې مبارزې يادې کړې. او د پښتونستان د ملي او امپريالستي ضد ټولې هغه حقې مبارزې بيان کړې کومې چې د هند د آزادې او د هند د تجزيې نه وروسته د پښتونستان ملي جنبشونو او جرياناتو د خپلې ملي خپلواکي او د خود اراديت د حق په لاره کښې کړې دي.

پاچا خان په پای کښې وويل: «انگرېزي او نوی استعماري طاقتونه په دی ښه پوهيده او پوهيری چې په پښتنو کښې سياسي شعور او د استعمار ضد جذبات پاته وو او پاته دی. نو ځکه دوی غوښته او غواړی چې د پښتنو د سياسي شعور په هرډول چې وي مړکړی ځکه چې انگرېزي امپرياليزم او د هغه تالی څټی په دی حقيقت ښه پوهيدلی دی چې که پښتانه خلق وینن شی نو په آسيا کښې به د استعماري په ضد يو لوی او ټينگ مورچل مينځ ته راشي. او همدا وجه وه چې ما ته يې اجازت نه راکاوه چې د آ زادو قبایلو او يا د افغانستان د خلکو سره وگورم او د خپل قومي وحدت قصه وړاندی کړم.

اوس می چې موقع وموند ه دا دی راغلم او غواړم چې د پښتنو د يو مخلص په شان د قامولی او قامی وحدت د پاره خدمت وکړم.

پاچا خان د امید نه په ډک زړه زیاته کړه: «خو څرنگه چې دا خدمت د ټولو پښتنو (د پاچا خان مراد د پښتونستان او د افغانستان ټول ولسو نه دی) خدمت دی نو ځکه \*

قر با نيان  
ويرانه ها

در قبال بدبختی های بی شمار خلق زحمتکش و فقیر، مرگ وحشتناک ۱۳ مرد، زن و طفل سیه روز هموطن ما حادثه غم انگیز دیگری بود که سیمای فلاکت بار زندگی مردم نیمه برهنه، گرسنه، مریض، بی سرپناه و محکوم کشور را آشکارا ساخت. انهدام یک سقف (در نخاس) در اثر بارانهای چند روزه و کشته شدن یکعده انسانهاییکه هنوز شور جوانی و امیدهای زندگی در قلب شان موج میزد، يك تصادف طبیعی و یک مرگ ساده نبود، بلکه این نوع مرگهای نابهنگام نمودار نارسایی های يك نظام فرتوت فيودالی و عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعیست. اگر مردم، کار و حداقل وسایل زندگی را دارا باشند، صحت، غذا، لباس و منازل مستحکم و سالم برای آنان تأمین گردد، هیچگاه زندگی شان مورد دستبرد حوادث ساده طبیع قرار نمیگردد.

يك نگاه عادی به همین شهر کابل پایتخت کشور عزیز کافیتست که عمق و سطح تضاد و اختلاف زندگی مردم را روشن سازد.

در يك گوشه آن کاخهای با شکوه و افسانه آمیز آباد میگردد و در گوشه دیگر آن مردم در کوچه ها و پس کوچه ها در کلبه های فروریخته و ویرانه های متعفن، کثیف و کشنده در لجنزار سرنوشت اندوهبار دست و پا میزنند.

**خلق:** در حالیکه عمیق ترین تأثرات و ظنداری خود را نسبت با این حادثه موحد و لرزاننده ابراز میکند یقین کامل دارد تا چنین تضادهای عمیق بین زندگانی مردم ما موجود باشد جلوگیری از همچو حوادث کاری دشوار و مشکل خواهد بود.

\* زما د هر پښتون بچي نه دا هيله ده چه زما سره په دی قامی او پښتني خدمت کښې برخه واخلي.

د خان عبدالغفار خان د مفصلی وينا نه وروسته د خلق د جريدې د امتياز خاوند ښاغلی نورمحمد (تره کی) د افغانستان د بيلو بيلو سيمو مترقی او ځوانو عناصرو او په ولسي جرگه کښې د خلق د دموکراتيک جريان د څو تنو وکیلانو په نمایندگی يو ځل بيا د پښتونستان ملت د خود اراديت حق د خلک د دموکراتيک مرام په اساس تائيد کړ.

## داغم از بگذشته ها

بر شما...  
بر شما ای خلق محنتکش، سلام!  
بر شما ای خلق غم پرور، درود!  
\*  
من که عمری در قفس  
هر نفس:  
شاهد بیداد گلچین بوده ام  
روزگارانی دراز  
دیده ام با چشم باز  
وحشت غارتگران باغ را  
\*  
در چمن هر بامداد:  
پیش چشم گفروش  
غنچه های تازه را از شاخه های نامراد  
میدرود.

بارها زین ماجرا  
حسرت مرغان صحرا خورده ام  
داغم از بگذشته ها!...  
داغم از بگذشته ها!...  
\*

حال کز غم رسته ام  
و آن قفس بشکسته ام  
گشته ام از دام بیدردان رها  
بر بژرف دره ها  
یا بیای کوهساران، از فراز صخره ها  
در فضای روستا  
همنوی آبشار:

پیشتر از شرح داغ بندگی  
پیشتر از مژده آزادی  
می فرستم بر شما:  
بر شما ای خلق محنت کش، سلام!  
بر شما ای خلق غم پرور، درود!

بارق شفيعی

(از ص اول)

## قیام حسینی...

اوقاتی می آید که برای نجات خلقهای ستمدیده (مبارزه بخاط مبارزه) ضرور است در حالیکه سخنی هم از تناسب قوا در میان نباشد. شهدای کربلا قهرمانان غیور و سرسپردگانی هستند که بایستی الهام بخش مبارزین راهنی مردم مظلوم گردند.

شیعت امام حسین (ع) در طول این تاریخ همیشه بحث اپوزسیون و جریان ضد یزیدها به مبارزات سرسخت نظری و عملی دوام داده اند. امید است در شرایط نوین جهان و زندگی مسلمانان دوستداران حسین (ع) و جد بزرگوارشان در مبارزات ضد استبداد و ارتجاع دلیرانه اشتراک ورزند.

## اشتراک

مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی  
ولایات: سالانه ۱۱۰ - افغانی  
خارج کشور: سالانه ۱۰ - دالر  
قیمت يك شماره ۲ - افغانی  
نمبر حساب در پښتني تجارتي بانک  
۱۴۱۴

## خلق

فعلاً هفته یکبار نشر میشود  
صاحب امتیاز: نورمحمد (تره کی)  
مدیر مسؤول: م. حسن (بارق شفيعی)  
آدرس: محمدجانخان وات  
(مقابل کابل پیاروالی)  
دولتی مطبعه

تایپ و ویرایش جدید: قاسم آسمایی می ۲۰۱۹